دولت بوش چه خوابی برای خاورمیانه دیده است؟

ادامه از صفحه اول

عراق در فاصله ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ باشد، یعنی شرایطی که در آن، حکومت جمهوری اسلامی به علت درگیری با بحرانهای سخت داخلی، قادر به سنگ‌اندازی در مسیر اجرای طرحهای خاورمیانه‌ای بوش نباشد. هدف حداکثر، قطعا بر سر کار آوردن حکومتی در ایران است که با نقشه های آمریکا در منطقه همراهی کند.

بزرگترین معما در ارتباط با آینده سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، مشی این کشور در قبال عربستان سعودی است. این مشی هر چه باشد، هدف آن روشن است: تبدیل عربستان به یک قطر یا کویت دیگر، یعنی حفظ حکومتی متمایل به غرب همواره با رفرمهایی در داخل این کشور. آنچه برای آمریکا در عربستان اهمیت ویژه دارد، پایان‌دادن به حمایتهای مالی برخی از محافل قدرتمند عربستان از بنیادگرایی اسلامی است. اما معلوم نیست آمریکا تا چه پهایی حاضر است برای دستیابی بدین هدف بپردازد. تاکنون مشی آمریکا، احتراز از هرگونه به خطرانداختن ثبات سیاسی عربستان بوده است. اما قطعی نیست که این سیاست تا ابد ادامه یابد. اگر آمریکا مطمئن شود در شرایط جدید، یعنی با استقرار صدها هزار نیروی نظامی خود در همسایگی مستقیم عربستان، قادر به کنترل تغییرات هدایت شده در عربستان است، بعید نیست که از تغییرات رادیکالتری نیز حمایت کند.

نکته نامعلوم دیگر، آینده مناسبات آمریکا و ترکیه است. ترکیه با عدم صدور مجوز استفاده نیروهای زمینی آمریکا از خاک ترکیه برای حمله به عراق، وابستگی طراحان استراتژی نظامی آمریکا به اتحاد با کردهای شمال عراق را افزایش داد. ممکن است با گذشت زمان، آمریکا وعده‌هایی را که به کردها در مورد برگزاری و سرشماری و انتخابات آزاد در مناطق نفت‌خیز مانند کرکوک داده است، فراموش کند و آن گونه که ترکیه می‌خواهد، کردهای عراق را از ایفای نقش در اداره منابع نفتی شمال عراق دور نگه دارد. هراس ترکیه از این است که یک منطقه مرفه و خودمختار کردنشین در شمال عراق، برای مردم کرد ساکن ترکیه نیز الهام‌بخش شود. امید ترکیه این است که آمریکا اتحاد نظامی بیش از پنجاه‌ساله خود با ترکیه را در جایگاهی مهمتر از مناسبات خود با کردهای عراق قرار دهد. اما با توجه به اینکه چنین خلف وعده‌ای در قبال کردها ممکن است بنیان یک دوره جدید رویارویی و بی‌ثباتی در شمال عراق را بگذارد، عمل‌کردن ایالات متحده طبق میل ترکیه قطعی نیست.

اگر از این نکات مبهم در آینده سیاست آمریکا در خاورمیانه صرفنظر کنیم، نقشه‌ای که کاخ سفید برای این منطقه کشیده است، تقریبا روشن است. در این نقشه، کنترل جریان نفت ارزان به غرب به طور مستقیم یا غیرمستقیم از سوی آمریکا اعمال خواهد شد، اسرائیل موقعیت خود را تحکیم خواهد کرد و دولتهای مخالف آمریکا امکان مانور را از دست خواهند داد یا حتی ساقط خواهند شد. حضور نظامی مستقیم در منطقه، به آمریکا امکان کنترل و سرکوب مستقیم بنیادگرایان اسلامی را خواهد داد. اغلب دولتهای عرب، حتی اگر در حرف از سیاست جدید آمریکا در خاورمیانه انتقاد کنند، در عمل تسلیم این سیاست خواهند شد (جالبترین نمونه، قطر است که رسما از حمله به عراق انتقاد کرد اما مرکز فرماندهی این حمله در خاک این کشور بود). به نظر می‌رسد افکار عمومی کشورهای عرب که به شدت مخالف آمریکاست، برای واشینگتن اهمیت چندانی نداشته باشد. طراحان استراتژی کاخ سفید وقعی به این مخالفتها نمی‌گذارند و ظاهرا می‌خواهند در مقیاس بزرگتر، همان سیاست شارون را اجرا کنند. همانگونه که شارون، پاسخ هر اقدام تروریستی حماس و جهاد اسلامی را با یک ضربه به مراتب بزرگتر نظامی می‌دهد، محافظه‌کاران حاکم بر آمریکا نیز مصممند هر مقابله قهرآمیز با آمریکا در کشورهای عربی را به شدت سرکوب کنند.

در آینده سیاسی منطقه، از نقش و نفوذ دولتهای مخالف جنگ عراق کاسته شده است. شرکتهای نفتی فرانسوی باید آروزی تحقق قراردادهای نفتی میلیاردی با عراق را به خاک بسپارند. آلمان اگر بخت با آن یاری کند، شاید بتواند با وساطت بریتانیا وظایفی مانند اعزام پلیس به عراق را عهده‌دار شود. حکومت جمهوری اسلامی که آینده آن نامعلوم است، برای روسیه، آلمان و فرانسه متحدی بسیار نامطمئن‌تر است و از این رو بعید نیست این کشورها از تهران فاصله بگیرند.

اجرای کل این سناریو، منوط بدان است که مشکلات داخلی آمریکا، به راندشدنش افراطیون از کانون قدرت در واشینگتن نیانجامد. جرج بوش پدر، شکست کویت را برد اما مبارزه با رکود اقتصادی را باخت و جای خود را به کلینتون داد. اگر در اقتصاد آمریکا تا نوامبر سال آینده نشانه‌های بهبود ظاهر نشود، بعید نیست که جرج دبلیو بوش نیز به سرنوشت پدرش دچار شود. اما تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، حدود یک سال و نیم باقی است.

رژیم جمهوری اسلامی، خطری که امنیت ملی را تهدید می‌کند

ادامه از صفحه اول

بیش از آلمان و جمعیتی بیش از هلند و هرج و مرج تمام عیار به دنبال نابودی همه نهادهای مدنی و دولتی. این سرنوشت، همه کشورهایی را تهدید می‌کند که از نظر بمرش و اطرافیانش از اعضای «محور شرارت» محسوب می‌شوند.

آیا این سرنوشت محتوم مردم ایران است؟ اگر مردم ایران، سرنوشت خویش را خود به دست گیرند، نه خطر بزرگی را که به بقای رژیم ولایت فقیه، امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند. ما ایرانیان می‌توانیم دفع کنیم. امیدبستن به اینکه اتحاد سستی از کشورهایی که با جمهوری اسلامی متاسباتی دارند، بتواند تندروهای آمریکایی را از تکرار سناریوی عراق در ایران باز دارد، تنها به کار آن دسته از رهبران جمهوری اسلامی می‌خورد که گمان می‌کنند تنها اگر کمی خم شوند، توفان بلا خواهد گذشت. جنگ عراق نشان داد اگر کار به مقابله نظامی با «امپریالیسم نوین» بکشد، هر کشوری که آماج حمله قرار گیرد، به ورطه نابودی در خواهد غلتید.

چگونه می‌توان خطر مقابله نظامی با آمریکا را از سر ایران دور کرد؟ این امر میسر نیست مگر با پایان‌دادن به سیاستهای تشنج آفرین در داخل و خارج از کشور. و این نیز ممکن نیست مگر با محو رژیمی که اساس موجودیت خود را مدیون تنش و فضای جنگی است. بنیانگذار این رژیم، جنگ را مرحمت الهی می‌نامید و وقتی ناگزیر شد پایان جنگ ایران و عراق را بپذیرد، از نوشیدن جام زهر سخن گفت. قهر و خشونت، با موجودیت رژیم ولایت فقیه عجین شده است.

وقت آنست که مردم ایران به حیات این رژیم پایان دهند. پیش از آنکه «امپریالیسم نوین» همراه با نابودی رژیم ولایت فقیه هزاران تن از ایرانیان و بنیه اقتصادی حیات آتی مردم ما را نیز نابود کند. جهانیان در چهار هفته اخیر به چشم خود دیدند که تعویض رژیم از طریق مداخله امپریالیستی، از هر انقلاب داخلی پرتلفات‌تر و ویرانگرتر است. امروز دیگر باید آنهایی نیز که واقعا از خشونت بیزارند، به سیاستی انقلابی برای پایان‌دادن به وضعیتی روی آورند که در آن شمشیر داموکلس نابودی بالای سر کشور است.

همین چند روز پیش بود که وزرای دفاع و خارجه ایالات متحده به حکومت ایران هشدار دادند رفتار خود را در جهت برآوردن خواستهای واشنگتن عوض کند. این سخنان تهدیدآمیز در بحبوحه جنگ، در شرایطی که دیگر «محور شرارت» تنها از ایران و کره شمالی تشکیل شده است، باید که لرزه بر اندام هر ایرانی آزادیخواه و صلحدوست بیافکند. نگاهی به دشتهای مملو از اجساد همسایه دیوار به دیوار ما کافی است تا دریابیم برای ما وقت خوش‌بینی یا بی‌تفاوتی نسبت به آنچه جناح جنگ در دولت آمریکا برای آینده منطقه ما در نظر گرفته، گذشته است. گروهی در واشنگتن مصممند ایران را به سنگ بعدی بازی «دومینوی» استراتژی خود در خاورمیانه تبدیل کنند.

در ایران نیز ماندن عراق حکومتی بر سر کار است که اراده و خواست از ایدیخواهانه مردم را مستجاوز از بیست سال است سرکوب می‌کند. بر پیشانی این حکومت، مهر کارشکنی در حل مسئله فلسطین، حمایت از تروریسم و تلاش برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی نقش بسته است. همه بهانه‌ها برای در دستور کار قراردادن «حل» نظامی «مسئله» ایران فراهم است.

برای آنکه چنین نشود، برای آنکه جنبش صلح جهانی و نیروهای صعدلتر در دستگاه حاکمه ایالات متحده این بار بر خلاف مورد عراق بتوانند جلوی تاخت و تاز جنگ‌افروزان را بگیرند، لازم است تا مردم ایران و نهادهای مدنی‌شان به صدای بلند به جهانیان بگویند نخست، نزدیک به هفتاد میلیون ایرانی، نباید چوب رفتار حکومت جمهوری اسلامی را بخورند؛ و دوم، مردم ایران با اقدام مستقل خویش، نظامی را تحقق خواهند بخشید که صلح، مسالمت، حقوق بشر و همکاری بین‌المللی بر سر لوحه همه سیاستهای آن جای خواهد داشت.

دیگر زمانی که حکومت جمهوری اسلامی می توانست حرکات آزادیخواهانه مردم ایران را با قساوت و خشونت هر چه تمامتر سرکوب کند، گذشته است. این حرکات را امروز دیگر نمی‌توانند خفه کنند. دانشجویان ایران می‌توانند همزمان با بازگشایی دانشگاهها در سال جدید، ندای آزادیخواهی خود را با فریاد صلح قرین سازند.

فعالان نهادهای مدنی می‌توانند با حضور مستقل در عرصه مبارزه برای آزادی صلح، به جهانیان اعلام کنند ایران، فقط حکومت فقها نیست، که محل زندگی انسانهایی بیدار است که مصممند نگذارند رفتار غیرمسئولانه و افراط‌گرایانه اقلیتی بسیار محدود در راس قدرت، کشورشان را به ورطه نیستی بکشاند.

در تاریخ ایران تا به حال هیچ گاه مانند امروز، امنیت ملی و آزادی با هم در پیوند نبوده‌اند. تامین امنیت کشور، منوط به رهایی از بند حکومتی است که رفتار آن ایران را در معرض بزرگترین خطرات در طول دهه‌های اخیر قرار داده است. وقت پایان‌دادن به عمر این حکومت فرا رسیده است.

زرافشان:
از من خواسته بودند از پرونده قتل‌ها کنار بکشم

ادامه از صفحه اول

شهربانی و سپاه پاسداران محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردند، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. به این ترتیب نه برای رسیدگی به پرونده اصلی قتل‌های زنجیره‌ای و نه برای رسیدگی به پرونده بنده که یک وکیل دادگستری هستم هیچ گونه صلاحیتی سازمان قضایی نیروهای مسلح نداشته و ندارد.

وی همچنین در باره اتهام وارده به خود مبنی بر افشای اسرار دولتی در جریان بحث پیرامون محتوای پرونده قتل‌های زنجیره‌ای گفت: آنچه تحت عنوان افشای اسرار دولتی عنوان شده، بی‌اساس و بی‌پایه و واهی است، زیرا اولا همواره از طرف قوه قضائیه اعلام شده است کسانی که مرتکب قتل‌های سیاسی آذر ۷۷ شده‌اند، گروهی خودسر و فاسد بوده‌اند. بحث‌کردن راجع به فعالیت‌های یک گروه خودسر و فاسد افشای اسرار نظام نیست. یا این گروه، گروه فاسد و خودسر نبوده است. و این قتل‌ها کار نظام است و یا اگر کار نظام نیست آن گونه که قوه قضائیه اعلام می‌کند، بحث‌کردن پیرامون فعالیت‌های مشتی عناصر فاسد و خودسر افشای اسرار نظام نیست. دوما حتی در صورتی که به نظام مربوط می‌شد، وقتی که وکیل نقض پرونده را قید می‌کند، نقایص پرونده را تذکر می‌دهد و به حکم وظیفه قانونی‌اش دلایل این نقص را می‌شمارد، وظایف قانونی‌اش را دارد انجام می‌دهد. زرافشان، در باره اتهام نگهداری سلاح و مشروبات الکلی در محل کار خود گفت: در فاصله آن ۸-۷ ساعتی که بعد از صدور دستور آزادی اولیه اینجانب، سرگردان بنده را در شهر می‌چرخاندند و بطور غیرقانونی در سازمان قضایی نیروهای مسلح نگه داشتند، اینها به محل کار من منتقل شده است. کاملا روشن است که اینها هم به وسیله کسانی که این پرونده را خواستند بسازند و در واقع خواستند دهن بنده را ببندند، در محل کارم قرار داده شده است.

خاتمی:
نمی‌توان بخشی از جمهوری اسلامی را پذیرفت و بخشی را رد کرد

ادامه از صفحه اول

بیان این‌که مردم مهم‌ترین پشتوانه نظام هستند، با تاکید بر بسترسازی مناسب برای حضور گسترده مردم در همه عرصه‌ها، از همه جناح‌ها و گروه‌ها خواست تا به دور از هیاهو، از سیاه‌نمایی فضای جامعه و مایوس‌کردن مردم بپرهیزند.

خاتمی با اشاره به ارائه لایحه اصلاح قانون انتخابات از سوی دولت و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی گفت: همه ما باید دغدغه حفظ نظام جمهوری اسلامی و دفاع از شرع و حقوق مردم را داشته باشیم و اگر واقعا حضور مردم مهم است باید با تفاهم فضایی به وجود آوریم تا آن‌ها به عنوان محور امور، آزادانه و با اشتیاق در پای صندوق‌های رای حاضر شوند.

وی با اشاره به این‌که جمهوری اسلامی یک نوع برداشت از زندگی اجتماعی است، تاکید کرد: جمهوری اسلامی یک کل واحد است که تفکیک‌شدنی نیست و نمی‌توان بخشی از آن را پذیرفت و بخش دیگر آن را رد کرد.

رییس‌جمهور اظهار داشت: ما باید دغدغه داشته باشیم که حق انتخاب مردم لطمه نبیند و انگیزه رییس‌جمهور نیز در تقدیم این لایحه به مجلس دفاع از حقوق مردم است که مصالح و موجودیت جامعه به آن‌ها بستگی دارد. رییس‌جمهور تصریح کرد: بعضی از سخت‌گیری‌ها به نام اسلام و قانون اساسی موجب می‌شود تا کسانی عنوان کنند که تنها راه نجات مملکت، عبور از اسلام، شرع و قانون اساسی است. خاتمی لزوم مبارزه با افراط‌گری را یادآور شد و با تاکید بر برخورد متعادل و بر اساس ضابطه و قانون با همه‌ی افراد در طیف‌های مختلف و اجرای همه‌ی اجزای قانون اساسی، از عقلای قوم خواست تا برای جلوگیری از بر خوردهای نامتعادل چاره‌جویی کنند.

احمد بورقانی، سخنگوی هیات رییسه مجلس شورای اسلامی پس از پایان نشست غیرعلنی دولت و مجلس در جمع خبرنگاران پارلمانی در مورد هدف از این نشست گفت: به منظور نزدیکی بیشتر و آشنایی با نظریات اعضای دولت و نمایندگان مجلس طبق روال گذشته این نشست برگزار شد.

وی افزود: در این جلسه در مورد مسایل جاری کشور و بحران منطقه بحث و تبادل نظر شد. البته پیرامون مسایل اقتصادی و ضرورت افزایش سرمایه‌گذاری، و تولید سرمایه در کشور صحبت‌هایی شد که آقای خاتمی هم به آنها اشاره کرد و نیز قول دادند که در آینده تیم اقتصادی دولت هماهنگی بیشتری با هم داشته باشند.

بورقانی در مورد این که آیا در این جلسه در باره لوایح دولت هم بحث و تبادل نظری شد یا خیر؟ اظهار داشت: بله. بحث‌هایی صورت گرفت. البته ابراز امیدواری شد لایحه اصلاح قانون انتخابات و لایحه تبیین اختیارات رییس جمهور تصویب شود تا به اقتدار و وحدت ملی کشور کمک کند.

انصاری‌راد رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس نیز در این باره گفت: رییس جمهور بر روشن‌شدن تکلیف لایحه اصلاح قانون انتخابات تاکید دارد. حسین انصاری‌راد در جمع خبرنگاران پارلمانی عزم خاتمی را در به تصویب رساندن لایحه اصلاح قانون انتخابات جدی ارزیابی کرد و گفت: خاتمی بر روشن‌شدن هرچه زودتر تکلیف این لایحه تاکید دارد. رییس کمیسیون اصل نود اعلام کرد: تصویب لایحه مستوط به شجاعت، اراده و اعمال قدرت و فشار است که امیدوارم در این صورت لایحه به تصویب برسد.

وی افزود: با تعارف، نصیحت، توضیح و تبیین صرف، وحدت ایجاد نمی‌شود.

رفیق همایون سرداری درگذشت

با تاسف فراوان مطلع شدیم رفیق صمیمی و یار قدیمی سازمان، همایون سرداری پس از ۶ ماه تحمل بیماری، در تاریخ ۱۱ فروردین بر اثر سکته قلبی درگذشته است. وی به هنگام مرگ تنها ۴۱ سال داشت. همایون سرداری در ضربات سال ۶۵ به سازمان ما دستگیر شد و به ۱۷ سال زندان محکوم گردید. وی قبل از دستگیری از مسئولین تشکیلات سازمان در کرمانشاه بود. رفیق همایون در کشتار همگانی زندانیان سیاسی جان سالم بدر برد و در فروردین ۱۳۶۹ از زندان آزاد شد.

نشریه کار فقدان رفیق همایون سرداری را به همسر وی، به دو فرزندش مازیار و کامیار و به همه بستگان و یاران او تسلیت می‌گوید.

* * *

«رفیقی که با غم دل، شد افتش حاصل
بر شاخسار عمرش بانگ طرب نباشد

درخت زندگی

در فضای اندوهناکی که چشمان اشک‌آلوده حاضرین ناباورانه به خاک‌سپردن همایون عاشق را نظاره می‌کردند نوای حزن‌انگیز همسرش را می‌شنیدند که با مهربانی می‌خواند همایون ترا می‌کارند. سر برآور، سبزشو و من می‌دانستم که همایون قبل از آن که کاشته شود روئیده و سبز و تناور شده بود و محصولش را پیدریغ و با سخاوت عرضه نموده بود به راحتی می‌شد در رفتار و گفتار آنان که در مراسم تدفین او حاضر بودند محصول درخت زندگی همایون را مشاهده کرد.

همایون عاشق بود و شیدا به زندگی و به انسان و به کار و تلاش و به سعادت بشر عشق می‌ورزید و این همه را نه با گفته و شعار و فیگورهای روشفکرمآبانه که با عمل و رفتار صادقانه به اثبات رسانده بود. نیک‌اندیشی همایون و احساس مسئولیت او در قبال دیگران و بویژه آنان که به توجه بیشتری نیاز داشتند کم‌نظیر بود. با اینکه غالبا خود نیازمند بود اما او بیشتر به تقسیم می‌اندیشید تا به منها و جمع.

صلابت و مهربانی او در فراز و نشیب زندگی در لحظات سنگین و شکننده‌ای که در برخی در پی ربودن عزت انسان بودند و می‌کوشیدند که دنیا را به اندازه یک سلول کوچک کنند برای بسیاری از دوستان به خاطره تبدیل گشته است هرگز شنیده نشد. همایون از چیزی شکایت کند. همایون بردبار بود و صمیمی و به تغییرپذیری جهان اعتقاد داشت و به سعادت انسان امیدوار بود. همایون عاشق بود نه نه همایون خود عشق بود

آواز خوان گذشت
ولیکن
ترانه‌اش گل می‌کند

تسلیت

رفیق گرامی طهماسب وزیری!
از دست دادن مادر غم سنگینی است. دست اندرکاران نشریه کار را نیز در اندوه خود شریک بدان.

* * *

رفیق طهماسب وزیری!
هیات رئیسه شورای مرکزی، درگذشت مادرت را به تو تسلیت می‌گوید و خود را همدرد تو می‌داند.